

کشف دلالت‌های اجتماعی- سیاسی سوره نمل با روش تحلیل محتوای کیفی*

غلامرضا بهروزی لک (نویسنده مسؤول)^۱
حسین میر چراغ‌خانی^۲

چکیده:

تحلیل محتوای کیفی از جمله روش‌هایی است که قابلیت استنتاج مباحث جدید از قرآن را فراهم می‌کند. در این مقاله سوره نمل با روش تحلیل مضمون که یکی از شیوه‌های تحلیل محتوای کیفی است، بررسی و تبیین گردید. در این تحلیل آیاتی که از انسجام مفهومی و معنای خاصی برخوردار بودند، به‌وسیله نرم‌افزار MAXQDA در شبکه مضامین تجزیه و تحلیل گردید. هدف از این اقدام، دستیابی به دلالت‌های اجتماعی سیاسی سوره مبارکه نمل است. در نهایت با به‌دست آوردن چهار مضمون پایه از آیات مورد نظر، دوازده مضمون سازمان‌دهنده ساخته شد که عبارت‌اند از: سرکشی دشمن قدرتمند، نزاع دائمی حق و باطل، توطئه و تهدید دائمی دشمن، نیازمندی جبهه حق به قدرت، شناخت نقاط قوت و ضعف، بسیج تمام منابع قدرت، شایستگی رهبر، ضرورت مانور قدرت، یقین به عنایت خدا نسبت به جبهه حق، یقین به نابودی ظلم و باطل، علم و دانش به‌مثابه قدرت، توجه به آثار جانبی قدرت. در گام بعدی مضامین مذکور به سه مضمون فراگیر «ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق»، «دانش استفاده از قدرت برای گسترش حق» و «شناخت شؤونات حق و قدرت» تبدیل گردید. در پایان این نتیجه محقق گردید که مضمون نهایی سوره نمل عبارت است از «ضرورت کسب قدرت علمی و اجتماعی برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشری».

کلیدواژه‌ها:

قرآن / نمل / تحلیل محتوا / اجتماعی / سیاسی / حق / قدرت

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۲۲، تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۳/۲۲.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2018.50943.2017

black@nou.ac.ir

۱- استاد دانشگاه باقرالعلوم (ع)

h.mircheraghkhani@isri.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه باقرالعلوم (ع)

قرآن کریم در آیات متعدد بر جامعیت و شمول‌گرایی اسلام تأکید کرده است. علاوه بر قرآن، روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز مؤید جامعیت اسلام‌اند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ تَبْيَانَ كُلِّ شَيْءٍ، حَتَّى وَاللَّهِ مَا تَرَكَ اللَّهُ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْعِبَادُ، حَتَّى لَا يَسْتَطِيعَ عَبْدٌ يَقُولُ: لَوْ كَانَ هَذَا أَنْزَلَ فِي الْقُرْآنِ، إِلَّا وَقَدْ أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِيهِ» (مجلسی، ۱۳۸۴ق، ج ۹۲: ص ۸۱)؛ «خداوند تبارک و تعالی، بیان هر چیزی را در قرآن فرو فرستاد، چندان که - به خدا سوگند - هیچ چیزی را که بندگان بدان نیاز دارند، فروگذار نکرد، مگر آنکه خداوند آن را در قرآن نازل کرده است.» با این رویکرد دین اسلام برای تمامی نیازهای بشر برنامه دارد.

یکی از نیازمندی‌های بشر، تبیین قوانین زیست اجتماعی است. فهم چیستی، چرایی و چگونگی زیستن انسان‌ها در کنار یکدیگر، موضوعی است که اصول و فروع علم سیاست را شکل می‌دهند. از جمله مؤلفه‌های محوری که در علم سیاست مورد توجه قرار گرفته، مؤلفه «قدرت» است. با توجه به مضمون نهایی سوره نمل، این مقاله در حیطه کاربرد قدرت جای می‌گیرد. به عبارت دیگر، رابطه قدرت و حق را با محوریت سوره نمل بررسی می‌کند.

آثار متعددی برای کشف غرض سوره‌های قرآنی نگارش یافته، اما تا کنون تحقیقی با روش تحلیل محتوای کیفی (تحلیل مضمون)، به کشف دلالت‌های اجتماعی سیاسی سوره مبارکه نمل نپرداخته است. پرسشی که در این مقاله مطرح است، این است که با توجه به روش تحلیل محتوای کیفی، دلالت‌های اجتماعی سیاسی سوره نمل چیست؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا سوره نمل تحلیل و در ادامه، مطالب مرتبط با هم تفکیک گردید. سپس مراحل کدگذاری انجام و در نهایت با در نظر گرفتن رابطه بین مفاهیم، نتیجه آن در قالب مقاله حاضر ارائه گردید.

نوع و روش تحقیق

در فرآیند تحقیق، پس از گردآوری داده‌ها، گام بعدی شامل تجزیه و تحلیل داده‌هاست تا موارد مجهول کشف گردد. تجزیه و تحلیل به دو گونه است:



۱- تجزیه و تحلیل کمی: تحلیل کمی در شرایطی کاربرد دارد که مفاهیم از طریق معرف‌های تجربی کمی اندازه‌گیری شده باشد. ابزار تحلیل کمی، تکنیک‌های آماری است.

۲- تجزیه و تحلیلی کیفی: در تحلیل کیفی، داده‌های گردآوری شده از نوع داده‌های کیفی هستند و محقق می‌تواند از طریق استدلال قیاسی و استقرایی، تمثیل و تشبیه، نشانه‌یابی، تجرید، تشخیص تفاوت و تمایز، مقایسه و ... که به کمک تفکر و تعقل و منطق صورت می‌پذیرد، داده‌های گردآوری شده را ارزیابی و تجزیه و تحلیل نموده، با ذهن مکاشفه‌ای خود نتیجه‌گیری کند. هرچند برای تجزیه و تحلیل روش‌های مختلفی وجود دارد، اما در تمام آنها فرآیند فکر منطقی که از آن به استنتاج یا استدلال تعبیر می‌شود، وجود دارد (نکونام، ۱۳۹۰، ص ۱۹۳). این مقاله با تجزیه و تحلیل کیفی انجام شده است.

از جمله روش‌هایی که در تحلیل کیفی مورد استقبال پژوهشگران قرار گرفته، روش تحلیل مضمون است. در این روش فرآیندی پیگیری می‌شود که در طی آن، داده‌های معمولی به صورت هدفمند دسته‌بندی می‌شوند و در نهایت با تلاش محقق، داده‌ها تفکیک و سازماندهی می‌شود؛ به گونه‌ای که با استخراج مضامین کلیدی به عمق مفاهیم و دلالت‌های آنها پی برده می‌شود. از جمله پایه‌گذاران روش تحلیل مضمون، دیوید مک کله‌لند و نند است. وی در کتاب خود به پیشینه تحلیل مضمون اشاره می‌کند که پیش از وی توسط افرادی چون جان اتکینسون و جوزف وروف، تحلیل مضمون مورد استفاده قرار گرفته است (عابدی، جعفری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۳).

نکته‌ای که باید در روش‌های کیفی مورد توجه قرار گیرد، شباهت‌های این روش‌ها با یکدیگر است. برای نمونه روش‌هایی مانند روش داده‌بنیاد، روش‌های تحلیل پدیدارشناسی تفسیری، روش تحلیل گفتمان و روش تحلیل محتوا، شباهت زیادی با روش تحلیل مضمون دارند که پژوهشگر باید به این شباهت‌ها و تفاوت‌ها توجه داشته باشد تا فرآیند تحلیل محتوا را به درستی پیش ببرد. تفاوت اصلی روش تحلیل مضمون با سایر روش‌های کیفی این است که این روش به چهارچوب نظری از پیش تعیین‌شده‌ای وابسته نیست (همان، ص ۱۵۸).



چیستی مضمون و چگونگی استخراج آن از مباحث اصلی، روش تحلیل مضمون است. مضمون یا مفاهیم حاوی معنا برای تحقیق به چند نوع قابل تقسیم است؛ به گونه‌ای که طبقه‌بندی‌های متعددی درباره آن صورت گرفته که می‌توان به مضامین اولیه یا نهایی، تفسیری، توصیفی یا رابطه‌ای، اصلی یا فرعی، فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه، مشهود یا مکنون، داده‌محور یا نظریه‌محور، کلان، یکپارچه کننده یا کلیدی، تثبیت نشده یا تثبیت شده تقسیم کرد که هر کدام از انواع مضامین مذکور برگرفته از مبانی طبقه‌بندی است (همان، ص ۱۶۰). این مقاله بر اساس جایگاه مضمون در شبکه مضامین انجام شده است، بر همین اساس نوع تقسیم مضمونی که استفاده گردید، مضمون فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه است. از آنجا که در این پژوهش محوریت اصلی با مفاهیم است و نیازمند یک تجزیه و تحلیل کیفی هستیم، از نرم افزار MAXQDA برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

تعریف مفاهیم

با توجه به مضمون نهایی سوره، یعنی ضرورت کسب قدرت علمی و اجتماعی برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشری، ابتدا به دو مفهوم کلیدی مضمون، یعنی «قدرت» و «حق» می‌پردازیم.

۱. قدرت

قدرت در لغت به توانستن، توانایی داشتن (معین: ذیل واژه قدرت)، توانایی انجام دادن کاری یا ترک آن، سلطه و نفوذ فرمان معنا شده است (عمید: ذیل واژه قدرت). در زبان عربی قدرت برگرفته از ماده «قدر» است که در واقع بیانگر ظرفیت حقیقی شیء می‌باشد. راغب در المفردات، قدرت را توانایی و نیرو معنا کرده است (راغب اصفهانی، بی‌تا، ج ۴: ص ۱۳۷). در قاموس قرآن نیز قدرت به معنای توانایی آمده است (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ص ۲۴۶). توانایی که مفهوم قدرت بر آن دلالت دارد، به مقتضای هر علم، کاربردها و کارکردهای متفاوتی دارد. علاوه بر این، فهم دقیق از چیستی قدرت نیازمند توجه به سطوح مختلف زندگی بشر اعم از سطح زیست‌شناختی، روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی است (وکیلی، ۱۳۸۹، ص ۳۷). بر همین اساس قرائت‌های متعددی از قدرت ارائه شده است.

در بین اندیشمندان غربی افرادی مانند توماس هابز، جان لاک، ماکیاوولی، نیچه، مارکس، ماکس وبر، برتراند راسل، گیدنز، رابرت دال و میشل فوکو، هر کدام به نحوی در صدد تعریفی از قدرت برآمده‌اند (ر. ک. وکیلی: همان). برای نمونه هابز در کتاب لویاتان می‌نویسد: «قدرت آدمی عبارت از وسایلی است که برای دستیابی به امر مطلوبی در آینده در اختیار دارد» (هابز، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹). هابز وسایل قدرت را به طبیعی یا ابزاری تقسیم می‌کند؛ مواردی مانند قدرت بدنی، ذهنی، بخشندگی، نجابت، آداب دانی، دانشوری و دوران‌دیشی را قدرت طبیعی می‌داند، و مواردی مانند ثروت، شهرت، دوستان و هر ابزاری که به وسیله قدرت طبیعی به دست آمده، قدرت ابزاری می‌نامد (همان). هابز وقتی می‌خواهد قدرت اجتماعی را تعریف کند، می‌نویسد: «پرتوان‌ترین قدرت‌های انسانی قدرتی است که مرکب از قدرت بیشتر آدمیان باشد و بر اساس توافق در دست شخص طبیعی یا مدنی قرار بگیرد و بنا به اراده خود، حق به‌کار گرفتن همه قدرت ایشان را دارا باشد.» (همان). به‌طور کلی همان معنای توانستن و توانایی، قدر متیقن قدرت به حساب می‌آید؛ چنان‌که ماکس وبر قدرت را به فرصت و توانایی یک بازیگر با جایگاهی که دارد، به‌گونه‌ای که بتواند با وجود مقاومت دیگری اراده خود را اعمال کند، معنا کرده است (سید باقری، ۱۳۹۰، ص ۷۱).

۲. حق

در لغت تعاریف متعددی از حق ارائه شده است که می‌توان به راستی، درستی، ملک، مال، مطابق با واقع، یقین نمودن، ثابت شدن، نامی از نام‌های خداوند (دهخدا و معین، ذیل واژه حق) اشاره کرد.

در اصطلاح نیز معنای حق با توجه به کاربرد آن در علوم مختلف متفاوت است. برای نمونه در علم فلسفه، حق به «مطلق وجود» معنا شده است (ملاصدرا، ۱۹۸۱، ج ۱: ص ۸۹). ابن سینا حق را وجود مستمر فناپذیر معنا کرده است (ابن سینا، ۱۳۷۶، ص ۶۲). در علم حقوق نیز کاربردهای فراوانی دارد. برای نمونه در تعریف حق نوشته‌اند: «حق امری است اعتباری که برای کسی (لّه) بر دیگری (علیه) وضع می‌شود.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ص ۲۶). در علم حقوق در تعریف حق از گزاره‌هایی چون حق اعطاکننده آزادی عمل، حق دربرگیرنده امتیاز و قدرت



تصرف، حق مفهومی اعتباری و تابع مصالح و مفساد استفاده شده است (رمضانی، ۱۳۹۰، ص ۹۵). در فقه حق معنای متناسب با خود را دارد. برای نمونه شیخ انصاری حق را به توانایی و سلطنت فعلیه‌ای تعریف می‌کند که از دو طرف «من له الحق» و «من علیه» تشکیل شده است (انصاری، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰).

از آنجا که در عرصه سیاست، حکومت و نظام‌های سیاسی محوریت دارند، نگاه به حق نیز در رابطه با حکومت و مردم قابل تعریف است. از جمله معانی حق در عرصه سیاست، حق به معنای امتیاز و توانایی بهره‌گیری از امتیاز است (فرهیخته، ۱۳۷۷، ص ۳۵۲)؛ به گونه‌ای که فرد یا گروه بتوانند از امتیازات اجتماعی و سیاسی خود بهره ببرند که در واقع از آن به حقوق تعبیر می‌کنند (آقابخشی، ۱۳۷۹، ص ۵۱۱). با توجه به مبانی اسلامی، منشأ حق خداوند متعال است. آیت‌الله جوادی آملی در تعریف حقوق می‌نویسند: «حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تأمین سازد.» (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۷۵). با این رویکرد منشأ حق خداست و انسان با عقل به آن پی می‌برد که با توجه به اراده تکوینی خداوند، هر آنچه از طرف او امر شده، حق است (طالبی، ۱۳۹۳، ص ۲۷). در این مقاله مراد از حق، آن چیزی است که خداوند متعال در قالب دین ارائه کرده و اینکه قدرت چه نسبتی و چه کارکردی نسبت به این حقایق دارد.

یافته‌های پژوهش

در این بخش از مقاله ابتدا جایگاه مضمون‌ها در شبکه مضامین در قالب جدول ارائه گردیده است. در خلال آن، آیات مرتبط با موضوع، مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده، مضامین فراگیر و مضمون نهایی مشخص گردیده است. در ادامه این بخش، شبکه مضامین تحلیل و بررسی شده؛ به گونه‌ای که چگونگی استخراج مضمون سازمان‌دهنده و فراگیر تبیین شده است. در پایان این بخش، مضمون نهایی سوره نمل، «ضرورت وجود رابطه حق و قدرت» تبیین شده است.

جایگاه مضامین در شبکه مضامین

در این بخش جایگاه مضامین در شبکه مضامین از سوره (نمل) استخراج شده است.

مضامین فراگیر	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	آیات	آیه	
ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق	سرکشی دشمن قدرتمند	معجزات متعدد در برابر نافرمانی	وَأَدْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (١٢)	١	
		انکار معجزات حضرت موسی <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ (١٣)	٢	
		انکار معجزه از روی یقین	وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (١٤)	٣	
	نزاع دائمی حق و باطل	بی توجهی مشرکان به انذار پیامبر <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	بی توجهی مشرکان به انذار پیامبر <small>صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ</small>	لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ (٤٨)	٤
		حضرت صالح <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	بی توجهی به حضرت صالح <small>عَلَيْهِ السَّلَامُ</small>	وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ (٤٥)	٥
		تعمد در رد حقیقت	تعمد در رد حقیقت	إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ (٨٠)	٦
		توطئه و تهدید دائمی دشمن	مکر و حيله علیه حضرت	قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكِ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ (٤٩)	٧



		صالح <small>عليه السلام</small>	وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۵۰) فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱)	
		استفاده دشمن از تطمیع	وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمِ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ (۳۵)	۸
		هماهنگی گروه‌های مفسد	وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ (۴۸)	۹
		فساد و ویرانی حاصل قدرت‌های مادی	قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَافَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ (۳۴)	۱۰
		تصمیم بر اخراج حضرت لوط <small>عليه السلام</small>	فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَبْطِئُونَ (۵۶)	۱۱
	نیازمندی جبهه حق به قدرت	تحقیر حضرت صالح <small>عليه السلام</small>	قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ (۴۷)	۱۲
		اقتدار حضرت سلیمان <small>عليه السلام</small>	قَالَ عَفَرْتُ مِنْ الْجِنَّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹) فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوْتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ (۴۲)	۱۳
دانش	شناخت نقاط	علم به	إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۱۴

استفاده از قدرت برای گسترش حق	قوت و ضعف	توانمندی‌های جبهه حق	(۳۰) أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۱)	
		نظم و انضباط	وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۷) وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَتْ مِنَ الْعَائِثِينَ (۲۰)	۱۵
		سنجش قدرت و اطاعت‌پذیری لشکر	قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)	۱۶
		استفاده از تمام منابع قدرت	قَالَ عَفْرَيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ (۳۹)	۱۷
		استفاده از خرد جمعی	قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيْ كِتَابٍ كَرِيمٍ (۲۹) قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ (۳۲)	۱۸
	بسیج تمام منابع قدرت	شروع دیپلماسی قدرتمندانه	اذْهَبْ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (۲۸)	۱۹
		به‌کارگیری قدرت	قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يُرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفَكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَالشُّكْرُ أَمْ أَكْفَرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فإِنَّ رَبِّي عَنِّي كَرِيمٌ (۴۰)	۲۰



شایستگی رهبر	قدرت و اقتدار رهبری	۲۱	لَا عَذَابَ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ (۲۱)
	شجاعت رهبری	۲۲	وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمَرْسُولِ (۱۰)
	سعه صدر و انتقادپذیری رهبری	۲۳	حَتَّىٰ إِذَا اتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِينَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)
ضرورت مانور قدرت	قدرت نمایی حضرت سلیمان <small>عليه السلام</small>	۲۴	قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۴)
	اقتدار و تهدید دشمن	۲۵	ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ (۳۷)
	به رخ کشیدن قدرت	۲۶	قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ (۴۱)
	سنجش توانمندی لشکریان	۲۷	قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ (۳۸)
شناخت شؤونات حق و قدرت	امید به یاری خداوند	۲۸	إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حُسْنًا عَدَّ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۲)
	دلداری خداوند به پیامبر <small>صلوات الله عليه وآله وسلم</small>	۲۹	وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ (۷۰)

		أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَّرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ (۶۲)	
	حقانیت آشکار پیامبر ﷺ	فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ (۷۹)	۳۰
یقین به نابودی ظلم و باطل	عاقبت ظلم ویرانی است	فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِمِهِمْ أَنَا دَمَرْنَا هُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ (۵۱) فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵۲) قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۶۹)	۳۱
	نابودی منحرفان	فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا هَا مِنْ الْغَابِرِينَ (۵۷) وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ (۵۸)	۳۲
	نجات مؤمنان	وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ (۵۳)	۳۳
	بی توجهی سلیمان و عدم مصالحه	فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَ بِمَالِ آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ (۳۶)	۳۴
	دانش	وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ (۱۵)	۳۵
علم و دانش به مثابه قدرت	دانش به مثابه قدرت	فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدِيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (۱۹)	۳۶

توجه به آثار جانبی قدرت	تقدم علم بر سایر نعمت‌ها	۳۷	وَوَرَّتْ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عِلْمُنَا مُنْطِقُ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ (۱۶)
	قدرت غرور آفرین است	۳۸	قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ (۳۳)
	توجه به پیامدهای قدرت	۳۹	حَتَّىٰ إِذَا اتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۸)
	انحراف رهبر مقدمه انحراف لشکر	۴۰	إِنِّي وَجَدتْ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ (۲۳) وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)
مضمون نهایی: ضرورت کسب قدرت علمی و اجتماعی برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشری			

تحلیل شبکه مضامین

در جدول شبکه مضامین، ۴۰ مضمون پایه، ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده و ۳ مضمون فراگیر استخراج گردید. از آنجا که ۴۰ مضمون پایه مستقیم از آیات استخراج شده و عین متن آیات در جدول ذکر شده است، تحلیل چگونگی دلالت آیه بر مضمون استخراج شده واضح است و نیازی به تحلیل رابطه دال و مدلولی آنها وجود ندارد. همچنین چرایی تبدیل مضامین پایه به سازمان‌دهنده با تأمل در جدول شبکه مضامین، قابل درک و تصدیق است. از سوی دیگر با توجه به محدودیت مقاله، مجال توضیح چرایی تبدیل این مضامین مقدور نیست. در نهایت آنچه که در تحلیل شبکه مضامین حائز اهمیت است و یافته اصلی مقاله به حساب می‌آید، چرایی تبدیل مضامین سازمان‌دهنده به مضامین فراگیر است. در ادامه با محوریت سه مضمون

فراگیر (۱- ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق، ۲- دانش استفاده از قدرت برای گسترش حق، ۳- شناخت شؤونات حق و قدرت)، به تجزیه و تحلیل این مضامین و کشف انسجام ارتباطی بین شبکه مضامین پرداخته شده است.

۱. ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا و به چه دلیل «ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق» به‌عنوان یک مضمون فراگیر انتخاب شده است؟ پاسخ به این پرسش که همان تحلیل مضامین فراگیر به حساب می‌آید، این است که چهار مضمون سازمان‌دهنده ما را رهنمون کرد به اینکه گسترش حق نیازمند قدرت است. این چهار مضمون سازمان‌دهنده عبارت‌اند از:

الف) سرکشی دشمن قدرتمند: خداوند متعال با اشاره به داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَأَدْخَلَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (نمل: ۱۲)، این حقیقت را آشکار می‌کند که دشمن صاحب قدرت آیات و معجزات آشکار الهی را نیز انکار می‌کند: «فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (نمل: ۱۳) (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۵: ص ۴۹۱). خداوند با صراحت اعلام می‌کند که این انکار از روی علم و آگاهی است: «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ» (نمل: ۱۴) (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ص ۴۱۲). بنابراین در مواجهه با چنین دشمنی که حق را نمی‌پذیرد و در مقابل حق قرار می‌گیرد، کسب قدرت برای گسترش حق ضرورت پیدا می‌کند. این نوع از سرکشی در مقابل تمامی انبیای الهی وجود داشته است. در سرتاسر قرآن چنین رویکردی قابل اثبات است؛ «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ: ۳۴).

ب) نزاع دائمی حق و باطل: موضوع دیگری که بیانگر ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق است، وجود نزاع دائمی میان حق و باطل است. همواره در طول تاریخ چنین نزاعی وجود داشته است. در این سوره به چند نمونه آن، از جمله زمان حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ اشاره شده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ» (نمل: ۴۵) (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۵: ص ۵۳۱). در آیه



دیگری از زبان دشمنان زمان پیامبر اسلام ﷺ اعلام می‌کند که می‌گویند این نزاع بین پدران ما وجود داشته و ما نیز مقید به این نزاع هستیم: «لَقَدْ وُعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ» (نمل: ۶۸). نکته قابل توجهی که در این سوره وجود دارد، اینکه دشمنان حق عمداً نمی‌خواهند به این نزاع پایان دهند و عمداً حقیقت را انکار می‌کنند: «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمُوتَى وَلَا تَسْمَعُ الضَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَكَّوْا مُدْبِرِينَ» (نمل: ۸۰). بنابراین با وجود چنین نزاعی که از قبل وجود داشته و اکنون وجود دارد و در آینده نیز وجود خواهد داشت، جبهه حق برای دفاع از خود و گسترش حق نیازمند کسب قدرت است.

ج) توطئه و تهدید دائمی دشمن: وقتی ثابت گردید که نزاع بین حق و باطل دائمی است، مسأله بعدی مضمون آیات سوره نمل قابل فهم است و آن اینکه دشمن هیچ‌گاه از توطئه و تهدید دست برنمی‌دارد. نمونه‌ای که در این سوره اشاره می‌شود، توطئه علیه حضرت صالح عليه السلام است: «قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ» (نمل: ۴۹). البته خداوند در هنگامه مکر و توطئه دشمن به جبهه حق یاری خواهد رساند: «وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَمَكْرُؤًا مَكَرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» * فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ» (نمل: ۵۱-۵۰) (همان). خداوند متعال در این سوره به یکی از مهم‌ترین مصادیق توطئه دشمن، یعنی «تطمیع مالی» اشاره می‌کند: «وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ» (نمل: ۳۵) (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ص ۴۶۴). نکته دیگری که از این آیات قابل برداشت است، اینکه دشمنان در تهدید و توطئه علیه جبهه حق با هم متحد هستند و هماهنگ عمل می‌کنند: «وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ» (نمل: ۴۸). از این آیات چنین برداشت می‌شود که دشمن دائم در حال توطئه است، بنابراین لازم است توطئه‌ها و تهدیدهای دشمن خنثی گردد. از این رو ضرورت کسب قدرت برای مواجهه با توطئه‌ها و تهدیدهای دشمن که مانع گسترش حق است، لازم و ضروری می‌باشد.

د) نیازمندی جبهه حق به قدرت: از مضمون آیات سوره نمل چنین استفاده می‌شود که جبهه حق برای حفظ و گسترش نیازمند کسب قدرت است، در غیر این

صورت باید در انتظار شبیخون قدرت‌های باطل باشد. نتیجه شبیخون قدرت‌های باطل، چیزی نیست جز فساد و ویرانی: «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَآةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل: ۳۴). فقدان قدرت در جبهه حق، دشمن را به جسارتی می‌رساند که به راحتی تصمیم می‌گیرد تا طرفداران حق را اخراج و آواره کند: «فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ» (نمل: ۵۶). حضرت صالح علیه السلام را نیز تحقیر کردند: «قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ» (نمل: ۴۷). در این سوره با نقل داستان انبیایی که از قدرت کافی در جامعه برخوردار نبودند، به داستان حضرت سلیمان علیه السلام اشاره می‌کند که چگونه جبهه باطل مقهور قدرت ایشان و مطیع آن حضرت بودند. قدرت‌نمایی حضرت سلیمان با لشکریانش نمونه‌ای از اقتدار او بود: «قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (نمل: ۳۹). در آیه دیگر آمده است: «فَلَمَّا جَاءَتْ قَيْلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوْتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ» (نمل: ۴۲). از آیات مذکور چنین برداشت می‌شود که جبهه حق برای گسترش نیازمند قدرت است؛ همچنان‌که حضرت سلیمان علیه السلام با قدرت، امکان عکس‌العمل را از دشمن سلب کرده بود (همان، ص ۴۲۱). اما سایر انبیای الهی که از قدرت کافی برخوردار نبودند، همواره مورد حمله دشمن قرار می‌گرفتند.



۲. دانش استفاده از قدرت برای گسترش حق

در تحلیل مضمون فراگیر اول این نتیجه به دست آمد که کسب قدرت برای جبهه حق ضروری است. مضمون فراگیر دوم به چگونگی استفاده از قدرت برای گسترش حق اختصاص دارد. به عبارت دیگر، بعد از اینکه جبهه حق کسب قدرت کرد، چگونه از این قدرت استفاده کند. اینکه چرا و به چه دلیل «دانش استفاده از قدرت برای گسترش حق» به عنوان مضمون فراگیر انتخاب شده، باید گفت این مضمون برگرفته از چهار مضمون سازمان‌دهنده است که عبارت‌اند از:



الف) شناخت نقاط قوت و ضعف: از جمله لوازم استفاده از قدرت، شناخت توانمندی‌ها (نقاط قوت) و آسیب‌ها (نقاط ضعف) است. در این سوره خداوند به حضرت سلیمان علیه السلام اشاره می‌کند که وی به مهم‌ترین توانمندی جبهه حق، یعنی اتکا به خداوند متعال علم دارد و در دعوت از ملکه سبأ، با اقتدار اصول بنیادی خود را مطرح می‌کند: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (نمل: ۳۰) (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۵: ص ۵۰۹). همچنین حضرت سلیمان علیه السلام با علم و یقین به یاری خداوند، به آسیب‌های میدانی قدرت نیز توجه داشت که مهم‌ترین آنها بی‌نظمی است. از این رو از لشکر خود سان می‌بیند و به نظم و ترتیب لشکر توجهی ویژه دارد: «وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل: ۱۷) (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ص ۴۳۲). این آیه به جبهه حق می‌آموزد در اختیار داشتن منابع قدرت مساوی با موفقیت نیست و لازمه استفاده از این منابع، نظم و انضباط است. حضرت سلیمان علیه السلام قاطعیت در نظم و انضباط و اشراف خود را در عضو کوچکی از لشکر به نمایش می‌گذارد: «وَتَقَفَّذَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهَدْدَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ» (نمل: ۲۰) (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱۵: ص ۵۰۵). علاوه بر نظم و انضباط، گام بعدی، سنجش میزان آمادگی و قدرت لشکریان جبهه حق و اطاعت‌پذیری آنان است: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل: ۳۸). حضرت سلیمان علیه السلام با سنجش قدرت بزرگان لشکریان خود، از توانایی‌های ایشان اطمینان حاصل می‌کند.

ب) بسیج تمام منابع قدرت: یکی دیگر از مؤلفه‌های دانش استفاده از قدرت، بسیج تمامی منابع قدرت و پرهیز از پراکندگی است. حضرت سلیمان علیه السلام از تمامی منابع قدرت خود استفاده می‌کند. یک نمونه استفاده از قدرت جنیان است: «قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ*» قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ» (نمل: ۳۹-۴۰). نشانه دیگری که بیانگر لازمه بهره‌گیری از تمامی منابع قدرت است، استفاده از خرد جمعی است که در آیه از زبان ملکه سبأ نقل شده است: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ» (نمل: ۲۹) (همان، ص ۵۰۹). همچنین در آیه دیگر از بزرگان دربار خود مشورت می‌گیرد: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى

تَشْهَدُونَ» (نمل: ۳۲) (همان، ص ۵۱۲). حضرت سلیمان علیه السلام نیز از خرد جمعی و توانایی‌های لشکر خود استفاده کرده و با به‌کارگیری و آمادگی منابع قدرت، شروع به گفت‌وگوی قدرتمندانه با ملکه سبأ کرد: «أَذْهَبُ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقِيهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَأَنْظِرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ» (نمل: ۲۸) (همان، ص ۵۰۹).

ج) شایستگی رهبر: با توجه به آیات سوره نمل، درمی‌یابیم بدون رهبری مقتدر، شجاع و شایسته، نمی‌توان به‌درستی از منابع قدرت بهره برد. اشاره به اشراف و اقتدار حضرت سلیمان علیه السلام در واقع حکایت از لزوم اقتدار رهبری دارد: «لَا عَذَابَئِنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَا ذُبْحَنَهُ أَوْ لِيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (نمل: ۲۱) (همان، ص ۵۰۵). آیه دیگر با نقل داستان حضرت موسی علیه السلام، به شجاعت رهبری و نهی مطلق از تمام ترسیدنها اشاره می‌کند: «وَأَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ» (نمل: ۱۰) (همان، ص ۴۸۹). نکته ظریفی که در این سوره وجود دارد، این است که علاوه بر شمردن اوصاف رهبری از جمله اقتدار، قدرت مدیریت و شجاعت، به ویژگی لازم رهبری، یعنی سعه صدر و انتقادپذیری رهبر اشاره می‌کند. این سوره از حضرت سلیمان علیه السلام به‌عنوان رهبری با سعه صدر و انتقادپذیر نام می‌برد؛ آن‌گاه که سلیمان متوجه گفت‌وگوی مورچه‌ها گردید، با تبسم با انتقاد مورچه‌ها برخورد کرد: «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل: ۱۸).

د) ضرورت مانور قدرت: شیوه دیگر استفاده از قدرت این است که دشمن از قدرت جبهه حق آگاهی داشته باشد. امروزه نیز قدرتهای جهانی با توجه به اصل بازدارندگی، توانمندی‌های قدرت خود را به رخ یکدیگر می‌کشند. قرآن با نقل داستان حضرت سلیمان علیه السلام، به لزوم قدرت‌نمایی در مقابل دشمن اشاره می‌کند. وقتی فرستادگان ملکه سبأ با هدایای خود نزد حضرت سلیمان علیه السلام آمدند، ایشان با اقتدار و تهدید به ملکه سبأ پیام فرستاد: «ارْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ» (نمل: ۳۷) (همان، ص ۵۱۶). حضرت سلیمان علیه السلام با سنجش قدرت لشکریان خود، از آنان می‌خواهد تا تخت ملکه را پیش او آورند: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل: ۳۸). همچنین با

دعوت ملکه سبأ به قصر باشکوه، گوشه‌ای از قدرت و توانمندی خود را به رخ کشید: «قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقِهَا قَالَتْ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نمل: ۴۴). از رفتارهای حضرت سلیمان عليه السلام می‌آموزیم که دشمن باید از توانمندی جبهه حق آگاه باشد تا هم جرأت تجاوز نداشته باشد، و هم به پذیرش حق میل پیدا کند.



۳. شناخت شؤونات حق و قدرت

سومین مضمون فراگیر سوره نمل، «شناخت شؤونات حق و قدرت» است. در پاسخ این پرسش که چرا و به چه دلیل این مضمون به عنوان یک مضمون فراگیر انتخاب شده، می‌توان گفت بخشی از آیات سوره نمل مبین شؤونات حق و برخی دیگر مبین شؤونات قدرت هستند. مضمون فراگیر «شناخت شؤونات حق و قدرت» برگرفته از چهار مضمون سازمان‌دهنده است که عبارت‌اند از:

الف) یقین به عنایت خداوند نسبت به جبهه حق: از جمله شؤونات حق این است که حق نابود شدنی نیست؛ هرچند در ظاهر مغلوب شود. حق همیشه ماندگار است. این حقیقت را می‌توان در سرگذشت چهار پیامبری که خداوند در این سوره نقل کرده، مشاهده کرد که چگونه دشمنان آنان نابود و راه حق و حقیقت ماندگار شد. خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دل‌داری می‌دهد که نگران مکر و حيله دشمن نباش: «وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ» (نمل: ۷۰) (همان، ۵۵۵). آیات قرآن به جبهه حق می‌آموزد در گرفتاری‌هایی که پیش می‌آید، نباید از عنایت خداوند ناامید شد (همان، ص ۵۴۵)؛ چرا که خداوند قادر است جبهه حق را جانشین قدرت‌های مادی کند: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاً وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ اللَّهُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ» (نمل: ۶۲). علاوه بر عنایت خداوند به انبیای الهی، به‌طور کلی خداوند اعلام می‌کند کسانی که در جبهه حق قرار دارند، حتی اگر گناهکار هم باشند، در صورت جبران، رحمت خدا شامل حال آنان خواهد شد:

«إِنَّا مَنْ ظَلَمْنَا ثُمَّ بَدَّلْنَا حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نمل: ۱۲) (همان، ص ۴۹۰).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همواره خداوند به جبهه حق عنایت دارد.

ب) یقین به نابودی ظلم و باطل: آیات متعددی از سوره نمل بر یقین به نابودی ظلم و باطل دلالت دارند. خداوند متعال با ارجاع به تاریخ، شکندگی ظلم و باطل و سستی مکر و حيله آنان را به مؤمنان یادآوری می‌کند: «فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مُكْرِهِمْ أَنَا ذَمَرْنَاَهُمْ وَ قَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ» (نمل: ۵۱) (همان، ص ۵۳۵). برای حاصل شدن یقین به نابودی باطل، انسان‌ها را به آثار به‌جا مانده از جبهه باطل و عبرت گرفتن از آنها توصیه می‌کند: «فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِن فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نمل: ۵۲). قانون نابودی حق و باطل در سرتاسر عالم جاری است. مجرم هر کجا که باشد، نابود شدنی است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ» (نمل: ۶۹). نابودی ظلم و باطل همیشه به معنای نابودی به‌وسیله مرگ طبیعی و تدریجی نیست. چه بسا ظلم و جرم آنچنان فراگیر شود که قهر الهی به‌وسیله عذاب، دفعتاً ظلم را نابود کند: «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذِرِينَ» (نمل: ۵۸). در بلاهای فراگیر اگر خداوند بخواهد، مؤمنان و متقین را نجات می‌دهد: «وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (نمل: ۵۳). همچنین در آیه‌ای دیگر آمده است: «فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِذْآ اَمْرَاتُهُ قَدَرَتْهَا مِنْ الْأَغَابِرِينَ» (نمل: ۵۷). وقتی علم به ضعف، شکندگی و یقین به نابودی ظلم و باطل وجود داشته باشد، مؤمنان در مواجهه با ظلم از موضع قدرت و برتری برخوردار می‌کنند؛ همچنان‌که حضرت سلیمان عليه السلام عمل کرد: «فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ» (نمل: ۳۶) (همان، ص ۵۱۵).

ج) علم و دانش به مثابه قدرت: آنچه که درباره قدرت باید مورد توجه قرار گیرد، این است که قدرت صرفاً در توان امر و تحمیل اراده و سازوبرگ نظامی نیست. از جمله مؤلفه‌های اصلی قدرت، علم و دانش است. از آیات سوره نمل نیز چنین برداشت می‌شود که علم و دانش بخشی از قدرت است و موجب برتری می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۶۷، ج ۱۵: ص ۴۱۵)؛ چیزی که انبیای الهی هم به آن توجه داشته‌اند: «وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل: ۱۵). حضرت سلیمان عليه السلام نیز علم فهم زبان حیوانات را



نعمتی از جانب خداوند می دانست که موجب برتری او شده است: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» (نمل: ۱۹)؛ هرچند نعمت‌ها و ابزارهای متعددی موجب برتری و کسب قدرت است. از دیدگاه آیات سوره نمل، علم و دانش فضلی آشکار است: «وَوَرِّثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ» (نمل: ۱۶). با توجه به آنچه ذکر گردید، فراگیری علم و دانش برای کسب قدرت در مواجهه با باطل و انحراف، لازم و ضروری است.

د) توجه به آثار جانبی قدرت: یکی از مهم‌ترین شؤونات قدرت، توجه به آثار جانبی آن است. از آنجا که صاحب قدرت از توان کنشگری غیر معمولی برخوردار می‌گردد، در صورت بی‌توجهی نمی‌تواند آثار جانبی قدرت را مدیریت کند. از جمله این آثار که در سوره نمل هم به آن اشاره شده، غرور است. برای نمونه وقتی ملکه سبأ با بزرگان دربار خود درباره پیام حضرت سلیمان عليه السلام مشورت کرد، آنان بدون توجه به توانمندی‌ها و قدرت بی‌نظیر حضرت سلیمان، از قدرتمندی خود سخن گفتند، در صورتی که ملکه سبأ به پشتوانه غرور کاذب آنان در مقابل حضرت سلیمان قرار می‌گرفت، سرنوشتی دیگر برای آنان رقم می‌خورد: «قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ» (نمل: ۳۳). از آثار جانبی دیگر قدرت این است که در صورت بی‌توجهی، گاه به صورت سهوی و ندانسته، عده‌ای قربانی قدرت می‌شوند. در این سوره به عبور لشکر سلیمان از وادی نمل اشاره می‌کند که امکان داشت به صورت ناخواسته، لشکریان سلیمان به مورچه‌ها آسیب برسانند: «حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» (نمل: ۱۸). نکته ظریفی که در این آیات وجود دارد، این است که وقتی قدرت در دست اهل آن قرار گیرد، می‌تواند از آثار جانبی آن جلوگیری کند؛ همچنان که با فرماندهی حضرت سلیمان عليه السلام، حتی مورچه هم آسیب نمی‌بیند. نکته دیگری که از شؤونات قدرت به حساب می‌آید، اینکه قدرت غالباً از کنار هم قرار گرفتن قدرت‌های جزئی به دست آمده و تبدیل

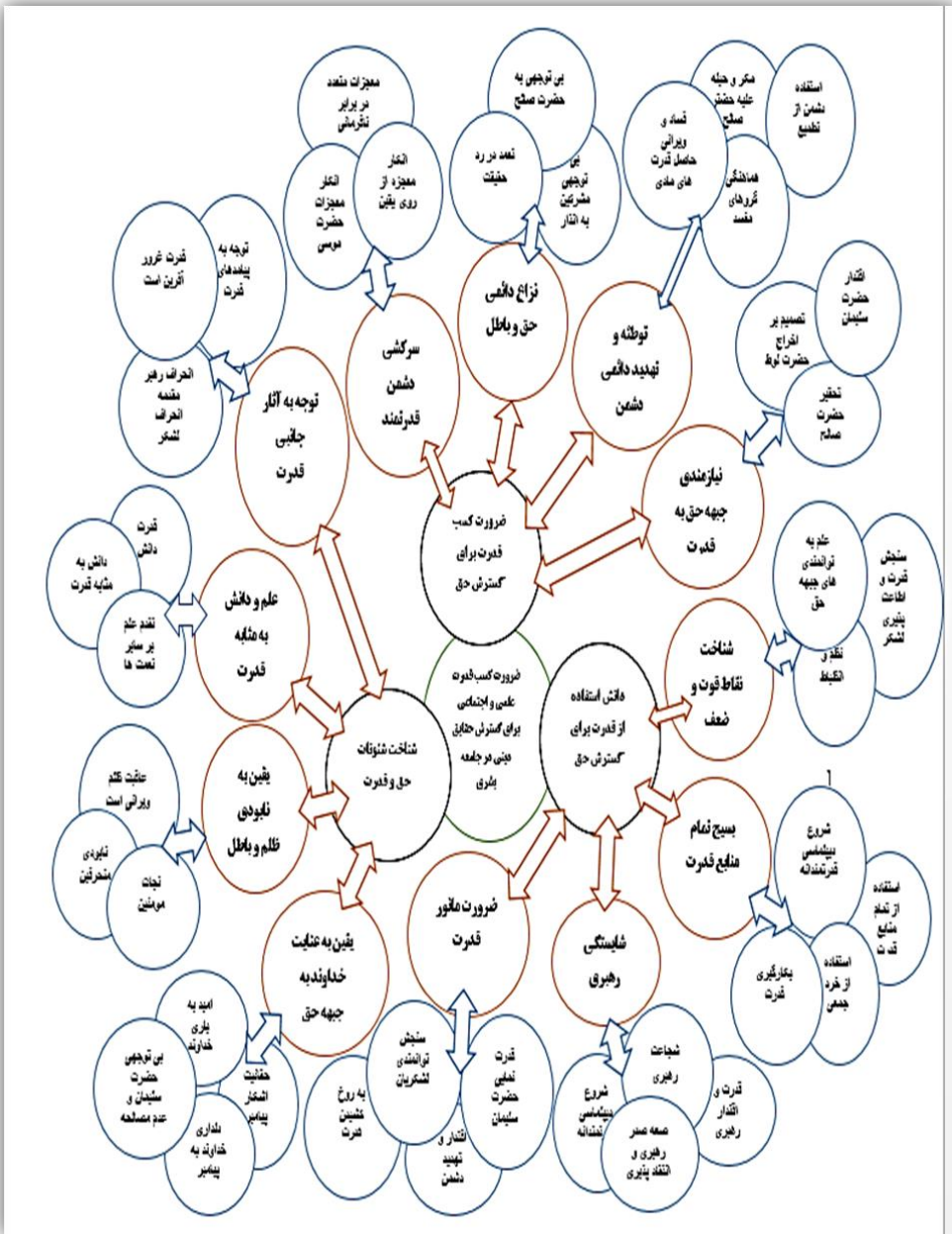
به کل می‌گردد. هرگاه در رأس هرم قدرت انحرافی صورت بگیرد، به صورت گسترده سایر اجزا از انحراف تبعیت می‌کنند. چنان‌که در سوره آمده است، ملکه سبأ و مردمش بر غیر خدا سجده می‌کنند. در واقع مردم به تبعیت از ملکه، غیر خدا را می‌پرستند: «وَجَدْتُهُمْ وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ» (نمل: ۲۴) (طباطبایی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۵۰۶). از این رو در برخورداری از قدرت، باید به شؤونات قدرت توجه داشت.



۴. تحلیل مضمون نهایی

از مضمون نهایی سوره نمل چنین برداشت می‌شود که کسب قدرت علمی و اجتماعی برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشری، اقدامی ضروری است. نمی‌توان در دنیایی که انسان‌ها مختار و اصحاب باطل فعال هستند، انتظار داشت حق و حقیقت بدون مانع و صرفاً با نصیحت و موعظه گسترش یابد. آنچنان‌که تجربه تاریخ نشان داده است، اگر فرستاده خدا هم باشید، معجزه هم ارائه کنید، باز انکار خواهید شد و فراتر از آن، تهدید به جنگ و قتل نیز وجود دارد. بنابراین دفاع از حق نیازمند قدرت است و سوره نمل با نقل سرگذشت چندین پیامبر و مقایسه آن با سرگذشت حضرت سلیمان علیه السلام، رابطه حق و قدرت را نمایان می‌کند. به نظر می‌رسد چنین رابطه‌ای در سرتاسر قرآن وجود دارد. علاوه بر قرآن، روایات، عقل و تجربه نیز چنین رابطه‌ای را تأیید می‌کنند. همچنین بر اساس مبانی اسلام و اصول و قواعدی مانند اصل مقابله به مثل، اصل عزت اسلامی، اصل دعوت اسلامی، اصل بازدارندگی و اصل نفی سبیل، بدون بهره از قدرت، دفاع از حق و گسترش آن به راحتی عملی نمی‌شود. بر همین اساس می‌توان چنین رابطه‌ای را که از مضمون سوره نمل به دست آمده، الگوی مناسب و کارآمد برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشری قرار داد.

نمایش ارتباط شبکه مضامین



نتیجه‌گیری

در تحلیل مضمون سوره مبارکه نمل، ۴۶ آیه که از انسجام ارتباطی برخوردار بودند، انتخاب و به‌وسیله نرم‌افزار مکس کیو دی، بررسی گردید. در فرآیند شبکه تحلیل مضامین از مجموعه آیات منتخب، ۴۰ مضمون پایه ساخته شد. در گام بعدی ۴۰ مضمون پایه به ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده تبدیل گردید. در ادامه از ۱۲ مضمون سازمان‌دهنده، ۳ مضمون فراگیر شکل گرفت. در نهایت از ۳ مضمون فراگیر، «رابطه ضروری بین حق و قدرت» به‌عنوان مضمون نهایی سوره به‌دست آمد. سه مضمون فراگیر که بدنه اصلی مقاله را تشکیل داده، عبارت‌اند از:

الف) ضرورت کسب قدرت برای گسترش حق: خداوند متعال در سوره نمل به انکار معجزات متعدد انبیا توسط جبهه باطل اشاره می‌کند. دلیل عمده انکار انبیای الهی و بی‌توجهی به معجزات آنان این است که جبهه باطل با توجه به قدرتی که دارد، به‌راحتی انکار، تمسخر و تهدید می‌کند. این در حالی است که در داستان حضرت سلیمان علیه السلام، جبهه باطل جرأت انکار، تمسخر و تهدید را ندارد. از آنجا که نزاع بین حق و باطل دائمی است و تجربه تاریخ نیز چنین نزاعی را تأیید می‌کند و جبهه باطل در این نزاع از هر توطئه و ابزاری استفاده می‌کند، جبهه حق برای حفظ خود و گسترش حق، نیازمند کسب قدرت است. بنابراین ضروری است تا برای به‌دست آوردن قدرت و استفاده از آن در گسترش حق تلاش کند.

ب) دانش استفاده از قدرت برای گسترش حق: مضمون فراگیر دوم به چگونگی استفاده از قدرت برای گسترش حق اختصاص دارد. به عبارت دیگر، بعد از اینکه جبهه حق کسب قدرت کرد، چگونه از این قدرت استفاده کند؟ در گام اول برای استفاده از قدرت و مواجهه با جبهه باطل، باید به نقاط قوت و ضعف خود آگاهی یابد تا از نقاط قوت استفاده و نقاط ضعف ترمیم شود. گام دوم برای استفاده از قدرت این است که در مواجهه با جبهه باطل، باید از تمامی منابع قدرت استفاده شود؛ چنان‌که حضرت سلیمان علیه السلام از تمام منابع قدرت (از هدهد تا جن) استفاده کرد. مؤلفه دیگر برای دانش استفاده از قدرت که از سوره نمل قابل فهم است، اینکه مانور قدرت امری لازم و ضروری است. حضرت سلیمان علیه السلام با قدرت‌نمایی و



استفاده صحیح از قدرت، به گونه‌ای برخورد کرد که طرف مقابل هرگونه تمایل و امید به پیروزی را از دست داده بود.

ج) شناخت شؤونات حق و قدرت: موضوع دیگری که در این سوره قابل توجه است، اینکه «حق» و «قدرت» شؤوناتی دارند که باید به آنها توجه داشت. در گام اول باید به عنایت خداوند نسبت به جبهه حق یقین حاصل شود. به عبارت دیگر، حق همواره مورد عنایت خداست. در مقابل در سوره نمل می‌آموزیم که باید به نابودی ظلم و باطل نیز یقین حاصل شود. خداوند از مؤمنان می‌خواهد تا در زمین سیر کنند و با تدبر در آثار به‌جا مانده، عاقبت جبهه باطل را در طول تاریخ مشاهده کنند. علاوه بر تبیین شؤونات حق، به شؤونات قدرت نیز اشاره شده است. نکته کلیدی در شؤونات قدرت این است که از علم و دانش به‌مثابه قدرت یاد شده و عامل عمده موفقیت و اقتدار حضرت سلیمان علیه السلام، به‌خاطر علم و دانشی است که خداوند به او عطا کرده است و ایشان با آگاهی، آن را عامل برتری جبهه حق بر باطل می‌دانند. مطلب دیگری که از شؤونات قدرت به حساب می‌آید، توجه به آثار جانبی قدرت است. از جمله آثار جانبی قدرت، به‌وجود آمدن غرور کاذب است. در سوره نمل با اشاره به مشورت ملکه سبأ با لشکریانش، به غرور کاذب لشکریان ملکه در نادیده گرفتن قدرت حضرت سلیمان علیه السلام اشاره شده است. مؤلفه دیگری که از آثار جانبی قدرت به‌شمار می‌رود، اینکه باید توجه داشت تا در مسیر اعمال قدرت، بی‌گناهان نابود نشوند. خداوند با مثال زدن لشکر حضرت سلیمان و بی‌توجهی نسبت به مورچگان، به صاحبان قدرت یادآور می‌شود که در مسیر اعمال قدرت، به بی‌گناهان توجه کنند؛ نباید ناخواسته و سهواً به بی‌گناهی آسیب وارد شود. مؤلفه دیگری که به‌عنوان آثار جانبی قدرت به آن اشاره شده، اینکه هرگاه در هرم قدرت انحرافی رخ دهد، طبقات پایین قدرت نیز به انحراف کشیده می‌شوند. در آیات سوره نمل با اشاره به انحراف ملکه سبأ و تبعیت قوم او، این موضوع قابل فهم است.

بنابراین در سوره نمل، ضرورت کسب قدرت علمی و اجتماعی برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشری، با ذکر داستان انبیای الهی در مقایسه با حضرت

سلیمان علیه السلام به خوبی آشکار شده است. در دنیای مادی که همه چیز سیر طبیعی خود را طی می‌کند، حفظ و گسترش جبهه حق نیازمند قدرت است، در غیر این صورت، مورد تهاجم دائمی جبهه باطل قرار خواهد گرفت. در دروه معاصر نیز جبهه حق برای موفقیت خود ناگزیر از کسب قدرت در ابعاد مختلف است. در مبانی دینی نیز رویکرد کسب قدرت در مواجهه با جبهه باطل توصیه شده است و قواعد و اصولی مانند نفی سبیل، مقابله به مثل، دعوت اسلامی، عزت اسلامی و بازدارندگی، بدون بهره از قدرت، نمی‌تواند آن‌گونه که باید، اجرا شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶ق)، حاشیه کتاب المکاسب، تصحیح سید مهدی شمس الدین، چاپ اول، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۳. آقابخشی، علی اکبر؛ افشاری، مینو (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ اول، تهران: چاپار.
۴. انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ق)، کتاب المکاسب، تحقیق سید محمد کلانتر، چاپ سوم، بیروت: منشورات مؤسسة النور للمطبوعات.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵)، فلسفه حقوق بشر، چاپ اول، قم: اسراء.
۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۹)، لغت نامه، چاپ اول، تهران: سیروس.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: غلامرضا خسروی، چاپ اول، تهران: مرتضوی.
۸. رضائی، علی (۱۳۹۰)، «معنای حق در نگاه اندیشمندان اسلامی»، معرفت حقوقی، سال اول، شماره دوم، ص ۸۹-۱۱۱.
۹. سیدباقری، سید کاظم (۱۳۹۰)، «ماهیت و مؤلفه‌های قدرت سیاسی از منظر قرآن کریم»، کتاب تقد، سال سیزدهم، شماره ۶۰، ص ۶۷-۱۱۱.
۱۰. شیخ رئیس ابن سینا (۱۳۷۶)، الإلهیات من کتاب الشفاء، تحقیق: حسن حسن‌زاده آملی، چاپ اول، قم: مرکز النشر التابع لمكتب الإعلام الإسلامي.



۱۱. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم (۱۹۸۱)، *الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة*، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. طالبی، محمد حسین؛ طالبی، علی (۱۳۹۳)، «انوع حق در دانش فلسفه حق»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال شانزدهم، شماره اول، پیاپی ۶۱، ص ۷-۳۲.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۶)، *تفسیر المیزان*، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۱۴. فرهیخته، شمس الدین (۱۳۷۷)، *فرهنگ فرهیخته (واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی-حقوقی)*، چاپ اول، تهران: زرین.
۱۵. قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، چاپ اول، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۱۶. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴ق)، *بحار الأنوار*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷)، *حقوق و سیاست در قرآن*، چاپ اول، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. معین، محمد (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷)، *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۲۱. نکونام، جعفر (۱۳۹۰)، *روش تحقیق با تأکید بر علوم اسلامی*، چاپ اول، قم: دانشگاه قم.
۲۲. هابز، توماس (۱۳۸۰)، *لویاتان*، ترجمه حسین بشیریه، چاپ اول، تهران: نی.
۲۳. وکیلی، شروین (۱۳۸۹)، *نظریه قدرت*، چاپ اول، تهران: شورآفرین.